

ارتباط نوروز با ادیان توحیدی، هویت ایرانی و بهداشت روانی

دکتر سید محمود طباطبایی*

^۱ گروه روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه

آغاز سال ملت‌ها و اقوام مختلف بشری، معمولاً با رویدادی مرتبط است که برای آن ملت یا قوم، ارزش نمادین دارد، ولی آغاز سال ایرانی، مرتبط با رویدادهایی است که هر کدام از آنها به عنوان برگ زرینی در کتاب فرهنگ تمام افراد بشر، ثبت و ضبط شده است.

نوروز را نباید تنها به عنوان عید ایرانیان به شمار آورد. این روز فرخنده که آغاز یک سال جدید را خبر می‌دهد، همچون روز اول سال مسیحی یا دیگر اقوام و ملل نیست، روزی است که طبیعت خفته از خواب زمستانی بیدار می‌شود، زمین با عبور از یک مرز قراردادی نجومی، تجدید حیات دیگری را شروع می‌کند، وزیدن نسیم فروردین ماه و پدیدار شدن شکوفه‌ها بر شاخه‌ها، بشارت دهنده سپری شدن زمستانی فسرده و رسیدن بهاری شاد و طرب انگیز است که شادمانی و طراوت را به طبیعت و همه موجودات زنده هدیه می‌دهد، و دیگر ...

مگر چیز دیگری هم هست؟

کتاب‌های تاریخ را ورق می‌زنیم، سرگذشت بشر را از دیرباز بازخوانی می‌کنیم و وقایع مهمی را که در میراث مکتوب، ثبت و ضبط شده‌اند مرور می‌کنیم. شگفتا، این روز - یعنی نوروز - این همه پیام را با خود می‌آورد و ما نمی‌دانیم؟

روز پهلوی گرفتن کشتی نوح بر ساحل نجات است.

روز شکستن بت‌ها بوسیله ابراهیم است.

روز نزول وحی بر پیامبر اسلام (ص) است.

روز شکستن بت‌های کعبه به وسیله علی (ع) است.

روزی است که منجی بشریت برای رستگار کردن انسان‌ها فرا خواهد رسید.

و روزی است که

آری، این روز، تنها نوروز ایرانیان نیست، نوروز مربوط به همه تمدن‌های پویای بشری بویژه ادیان توحیدی است. ملت‌های زیادی آن را فراموش کرده‌اند، اما ایران و ایرانی افتخار دارد که این پرچم پرافتخار را همچنان برافراشته و در اهتزاز نگه داشته است. در این مقاله، با استناد به مهم‌ترین و معتبرترین منابع تاریخی، رویدادهای مرتبط با نوروز را از دیرباز، بررسی می‌کنیم، تاثیر آن را بر جان و روان انسان‌ها ارزیابی می‌کنیم و اهمیت آن را در پایداری و استحکام هویت ایرانی، بازگو می‌کنیم.

نامگذاری نوروز

برای پاسخ دادن به این پرسش که آیا در متون معتبر تاریخی، کلمه «نوروز» اسم عام برای هر عید یا رویداد افتخارآمیز به شمار می‌آمده یا اینکه اسم خاص برای روز اول فروردین ماه است، دلایل قطعی متعددی برای خاص بودن این کلمه وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- این منظور در کتاب گران سنگ «لسان العرب» تاکید کرده که نیروز، تعریب نوروز است و منظور از آن، روز اول سال فارسی است (۱).

۲- قرطبی در کتاب «صله تاریخ طبری» تاکید کرده که واژه «نوروز» اسم خاص برای روز اول سال پارسیان است (۲).

۳- فاضل هندی در کتاب «کشف اللثام» ضمن بحث مفصلی تاکید کرده کلمه نوروز مختص روز اول فروردین ماه جلالی است که روز اول سال پارسیان است و در آن روز، خداوند سی هزار نفر از بنی اسرائیل را پس از مرگ، زنده کرد (۳). همین موضوع را علامه یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان (۴) و

یونان، تقویم بومی ویژه ای داشت که نه شمسی بود و نه قمری (۹).

۷- در کتاب «تاریخ الفی» که به همت گروهی از دانشمندان ایرانی در سال‌های پایانی قرن دهم هجری نگارش یافته است، در موارد متعددی با عناوین مختلف، از نوروز یاد شده که تصریحاً یا تلویحاً با روز اول فروردین تطبیق می‌شوند. برخی از این موارد عبارتند از:

الف) در وقایع سال پانصد و هفتاد و دوم پس از رحلت پیامبر (ص) آمده است: «از جمله عجایب امور این سال آن که روز نوروز فرس (پارسیان) موافق افتاد به اول سال عرب یعنی نوروز، اول محرم بود و نیرین یعنی آفتاب و ماه در اول برج حمل به مقارنه واقع شده بودند و روز اول هفته نیز بود و این نوع اتفاق، کم واقع شده» (۱۰). هم‌چنین در بخش‌های دیگری آمده که پیش از نوروز، سرما و برف است (۱۱) و روز اول نوروز، موسم علف صحراست (۱۲).

ب) در همان کتاب آمده است که در سال ۴۷۱ هجری قمری، تقویمی که روز اول سال را، روز رسیدن آفتاب به اول نقطه برج حمل تدوین کرده بود، به رسمیت شناخته و به نام تقویم جلالی شناخته شد (۱۳) و روز اول فروردین هم به نام نوروز سلطانی معروف شد (۱۴). در همین رابطه گفته شده که فرماندهان ایرانی به مناسبت نوروز، هدایای گران‌بهایی برای خلیفه وقت می‌فرستادند (۱۵).

البته علامه دهخدا در لغت‌نامه خود به نقل از منابع معتبر آورده است: نخستین کسی که در اسلام، هدایای نوروز و مهرگان را رواج داد، حجاج بن یوسف ثقفی بود، ولی عمر بن عبدالعزیز به دلیل گران آمدن اهدای تحف بر مردم، این کار را منسوخ کرد ولی خود جشن نوروز هم‌چنان برپا می‌شد و تا ظهور ابومسلم و عباسیان، از سوی ایرانیان گرامی داشته می‌شد (۱۶).

۸- ابوریحان بیرونی هم در برخی از کتاب‌های خود، تاکید کرده که نوروز، نخستین روز از فروردین ماه است (۱۷، ۱۸).

۹- خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد، در موارد متعددی از روز نوروز به عنوان روز خاص که اول سال پارسیان است، نام برده است (۲۱-۱۹).

۱۰- هنری ماسه در کتاب «تمدن ایرانی» آورده است: «روز ۲۱ مارس، عید نوروز است و شامل مجموعه‌ای از ارجمندترین آداب و سنن است. پادشاه سالی یک بار در عید نوروز برای زیارت آرامگاه‌های نیاکانش به تخت جمشید می‌رفته است (۲۲).

طبری در کتاب تاریخ خود (۵) به تصریح ذکر کرده و این‌قتیبه دینوری هم در کتاب «تأویل مختلف الحدیث» (۶) تلویحاً آن را نقل کرده است.

۴- ابوالطیب عظیم‌آبادی در کتاب «عون المعبود» آورده است: «نوروز، روزی است که خورشید به برج حمل (فروردین) منتقل می‌شود و آن، روز اول سال شمسی است، هم‌چنان که اول ماه محرم، روز اول سال قمری است.» وی در بخش دیگری از همان کتاب می‌گوید: «هنگامی که پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه مهاجرت کرد، مشاهده فرمود که مردم مدینه دارای دو روز عید هستند، یکی نیروز و دیگری مهرجان، اما نوروز، روز اول سال است که خورشید به برج حمل می‌رسد و اما مهرجان، روز اول برج میزان است» (۷).

۵- طبری در کتاب تاریخ خود پس از نقل داستانی از یک پادشاه زیباروی و خوش‌اندام ایرانی به نام «جم» که پس از طهمورث حکومت کرده، می‌گوید: آن پادشاه پس از تسلط بر تمام موجودات و تشکیل یک حکومت مقتدر، روز اول فروردین ماه (عیناً همین کلمه فروردین ماه در متن عربی آمده است) را به عنوان عید انتخاب کرد و به مردم دستور داد که آن روز و پنج روز پس از آن را به عنوان روزهای عید به شمار آورده، به شادی و خوش‌گذرانی بپردازند. خداوند هم از این کار، خشنود شد و آن مردم را از آسیب‌های گرما، سرما، بیماری‌ها، عوارض پیری و دیگر آفت‌ها، مصونیت داد و مردم با برخورداری از این نعمت خداوندی، سیصد سال زندگی همراه با آرامشی داشتند و هیچ‌گونه گزندى به آنان نمی‌رسید (۸).

۶- پروفیسور علی اکبر مظاهری در کتاب «خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام» آورده است: مبنای تعیین عید نوروز بر اساس ۳۶۵ روز و حدود شش ساعت بود و از روزگاران بسیار قدیم، منجمان دولتی، ساعت تحویل سال را در رصدخانه تعیین می‌کردند. وی افزوده است: نوروز پادشاهی همیشه مصادف با موسم دروکردن جو در شوش بود و تاکنون هم مدار کار بزرگان بر این است. وی در ادامه تاکید کرده که در سال ۱۹۷۸ میلادی (۱۳۵۶ هجری شمسی) سفری به خوزستان داشته و بزرگان محلی را دیده است که شب عید نوروز، جو را درو کرده و در یک ارزیابی که انجام داده معلوم شده، در بندرعباس هم، چنین است و حتی پارسیان بمبئی (هندوستان) هم، جو را شب عید نوروز درو می‌کنند. استاد مظاهری در ادامه سخن خود دلایلی می‌آورد که حکما و پادشاهان یونان، نحوه تعیین محاسبه سال شمسی را از ایرانیان آموخته و به سرزمین یونان و مصر، به ارمغان برده اند. زیرا پیش از آنان، هر شهری در

تاکید شخصیت های برجسته تاریخ بر گرامی داشت نوروز

۱- علی بن ابیطالب علیه السلام

در منابع معتبر اسلامی (شیعی و سنی) روایتی با اختلاف جزئی در بعضی از الفاظ آن نقل شده که ترجمه آن چنین است: «در روز نوروز خوراک ویژه‌ای به نام پالوده برای علی بن ابیطالب (ع) که در عراق بود، پیشکش آوردند. آن حضرت مقداری میل کرد و با خشنودی و تبسم پرسید: این چیست؟ پاسخ دادند امروز نوروز است و این هدیه نوروزی است. حضرت فرمود: هر روزمان را نوروز کنید». جالب توجه است که در یکی از روایت‌ها، نقل شده که وقتی به حضرت گفتند امروز نوروز است، آن حضرت فرمود: هر روزمان را فیروز (پیروز) کنید.

به نظر نگارنده این مقاله، شاید جمله «هر روزتان نوروز، نوروزتان پیروز» که به عنوان تبریک سال نو، در گفتارها و نوشتارها رایج شده، ریشه تاریخی در فرمایش حضرت علی علیه السلام داشته باشد (۲۵-۲۳).

۲- امام صادق علیه السلام

یکی از روایان حدیث آورده است: روز نوروز به دیدار امام صادق علیه السلام رفتم. ایشان پرسیدند: امروز چه روزی است؟ پاسخ دادم: پارسیان امروز را گرامی داشته و به همدیگر شادباش می‌گویند و هدیه می‌دهند. امام فرمود: گرامی داشت امروز از سوی پارسیان، ریشه‌های تاریخی دارد و من آنها را برای بازگو می‌کنم تا بدانی و آگاه شوی. سپس امام چنین ادامه دادند: نوروز، نخستین روز از سال پارسیان است. در این روز:

کشتی نوح (پس از طوفان) به ساحل نجات رسید و آرام گرفت،

ابراهیم پیامبر، بت‌های بت‌پرستان را شکست،

پیامبر اسلام، علی را بر دوش خود بالا برد تا بت‌ها را از خانه خدا بیرون بیفکند،

جبرئیل بر پیامبر نازل شد،

پیامبر اسلام در محل غدیر خم، علی را به عنوان جانشین خود به مردم معرفی کرد،

علی در جنگ نهروان بر دشمنان خود پیروز شد،

و در این روز، قائم اهل بیت ظهور خواهد کرد و هر نوروزی باید این انتظار را داشت.

سپس امام صادق چنین ادامه می‌دهند: نوروز، از روزهای خجسته ما به شمار می‌آید، پارسیان آن را پاس داشته و گرامی

می‌دارند، اما شما آن را نادیده گرفته و به فراموشی سپردید (۲۶)، (۲۷).

امام صادق (ع) در ادامه می‌فرماید: در روز نوروز، پس از رفتن گرمابه و شستن بدن، بهترین و پاکیزه‌ترین لباس‌های خود را بپوش و از بهترین عطرها خود استفاده کن.

افزون بر این‌ها امام صادق آئین چهار رکعت نماز را بازگو فرموده و تاکید می‌کند به جای آوردن این چهار رکعت موجب آمرزش گناهان خواهد شد (۲۸).

لازم به ذکر است که پس از نمازهای یادشده، توصیه شده که نماز گزار، دعای مخصوصی بخواند که در آن چنین آمده است:

«اللهم بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی یومنا هذا الّذی فضلته و کرّمته و شرفّته، یعنی پروردگارا، بر محمد و خاندانش بهترین درودها را بفرست و این روز را که از روزهای ارجمند، گرامی و خجسته به شمار آورده‌ای، بر ما مبارک گردان» (۲۹).

در همین رابطه، سید عبدالله جزائری آورده است: «گرامی داشت نوروز خیلی پیشتر از دوره جمشید بوده و مربوط به زمان نوح می‌باشد» (۲۶).

۳- علما و مراجع تقلید

در متون فقهی و رساله‌های عملیه مراجع تقلید، پس از ذکر نمازهای واجب، به ذکر نمازهای مستحب پرداخته می‌شود که اگر چه واجب نیستند ولی انجام آنها، فضیلت و پیروی از بزرگان و ائمه دین به شمار می‌آید. جالب است که نماز عید نوروز، در شمار همین نمازهای مستحب معرفی شده که تعدادی از آنها عبارتند از: نماز روز مبعث پیامبر (ص)، نماز روز مباحله، نماز شب، نمازهای نافله و حدود بیست نماز دیگر.

همچنین در متون فقهی و رساله‌های عملیه مراجع تقلید، غسل روز عید نوروز از غسل‌های مستحب و در ردیف غسل روز تولد پیامبر (ص) و نیمه شعبان به شمار آمده است.

افزون بر اینها، قداست این روز به اندازه‌ای بوده که روزه آن هم از روزه‌های مستحب به شمار آمده است (۳۷-۲۹).

برخی از رویدادهای مهم تاریخی مرتبط با

نوروز

علاوه بر رویدادهای مهم تاریخی مرتبط با نوروز که در بخش پیشین به آنها اشاره شد، رویداد خاصی در قرآن کریم نقل شده که بسیاری از مورخین و اکثریت قریب به اتفاق مفسرین فرقه‌های مختلف اسلامی، آن را مرتبط با نوروز دانسته‌اند. این

رویداد را علامه یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان به گونه‌ای نقل کرده که توجه به آن خالی از لطف نیست و پس از آن به نقل روایت دیگران می‌پردازیم.

حموی آورده است: یکی از فرماندهان ارشد سپاه مأمون، خلیفه عباسی، بنام حسین بن عمرو می‌گوید: روزی در منزل ذوالریاستین بودیم و موبد بزرگ خراسان در آنجا حضور داشت. از موبد درباره علت انتخاب عیدهای نوروز و مهرجان و وجه تسمیه آنها جويا شدیم. آن موبد گفت: در گذشته‌های بسیار دور، رود دجله در مسیری غیر از مسیر کنونی جریان داشت و بر پیرامون آن روستاها و آبادی‌های زیادی وجود داشتند. اما به علت یک حادثه (زیست محیطی) مسیر جریان آن ناگهان تغییر یافت و در نتیجه تمام آبادی‌ها و روستاهای پیرامون آن دچار خشکی و قحطی شدند و ساکنین آنها به بیماری وبا گرفتار شده، مجبور به فرار از آن محل زندگی گردیدند. گروهی از بازماندگان مقداری غذا و آذوقه برای رسانیدن به فراری‌ها بردند، اما همه آن فراری‌ها را مرده یافتند. مرده‌ها هم چنان در بیابان‌ها شده بودند تا اینکه روز اول فروردین ماه از تقویم پارسیان (در متن عربی با همین عبارت "اول یوم من فروردین ماه من شهر الفرس" آمده است) خداوند بر آن مردگان بارانی را بارید و با آن بارش، همه مردگان زنده شدند. پادشاه آن روزگار با دیدن این صحنه، آن روز را نوروز نامید و گفت که این روز مبارکی است و باید آن را گرامی داشت و به عنوان عید پذیرفت. این داستان را به گوش مأمون رسانیدند، مأمون گفت: این داستان در قرآن کریم آمده و آیه اش این است: «الم تر إلی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ...» (۳۸).

رویداد فوق‌الذکر را حسین بن حمدان خطیبی (متوفی ۳۳۴ هـ. ق) به صورت دیگری از امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه «الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت ...» نقل کرده که خلاصه‌اش چنین است: «گروهی از بنی اسرائیل که تعدادشان حدود سی هزار نفر بود و شامل زن و مرد و کودک می‌شد، از خانه‌های خود خارج شده به بیابان روی نهادند. خداوند مرگ را بر آنها نازل کرد و همگی یکجا مردند. حزقیل پیامبر گذارش به آن مردگان افتاد و به اندیشه فرو رفت. سپس با خدای خود به مناجات پرداخته و گفت: خدایا قدرت خود را بر میراندن این گروه نشان دادی، هم اکنون قدرت خود را در زنده کردن آنان نشان ده تا پس از زنده شدن، آنان را به پرستش تو بخوانم و آنان را موفق کن که به تو ایمان آورند. خداوند به حزقیل خطاب کرد: ای حزقیل، امروز، نوروز است، روزی خجسته و بسیار گرامی است. در این روز، هر مومنی از من درخواستی داشته باشد، آنرا برآورده خواهیم کرد و بنابراین برای اینکه درخواست تو

برآورده شود، آب بر آنان بپاش، همه آنان به فرمان من زنده خواهند شد. حزقیل این کار را کرد و آن مردگان همه زنده شدند و به حزقیل و خدای او ایمان آوردند (۴، ۳۹، ۴۰).

ارتباط گرامی‌داشت نوروز با سلامت و بهداشت

روان

صرف‌نظر از تاثیر شادی بخش مراسم ویژه عید نوروز، هم‌چون خانه‌تکانی پیش از عید، گرد آمدن اعضای خانواده در کنار سفره هفت سین، دادن و گرفتن عیدی و هدیه، سفرهای نوروزی و اجرای مراسم سیزده عید که همه آنها در پدید آوردن شادی، زدودن غم و اندوه و احساس تجدید حیات جسمی و روانی که همراه با تجدید حیات طبیعت نقش مهمی دارند، اهمیت و ارزش فرهنگی نوروز می‌تواند تاثیر اساسی و زیربنایی در روحیات همه ملت‌های پایبند به این آئین گرامی‌داشته باشد. زیرا آگاهی از مبنای انتخاب آن به عنوان آغاز سال و پی بردن به رویدادهایی که هر کدام به عنوان یکی از نقاط عطف، غرورآفرین و افتخاربرانگیز تاریخ بشر به شمار آمده، موجب تقویت هرچه بیشتر عزت نفس (Self-esteem) و بالیدن واقع‌گرایانه به هویت فرهنگی (Cultural identity) خواهد شد. این موضوع که تقویت عزت نفس و احساس برخورداربودن از یک هویت منسجم و افتخارآمیز بر روی سلامت فردی و جمعی تاثیر مثبت و انکارناپذیری دارد، از اصول اساسی علم روان‌شناسی است. در این شاخه از دانش تاکید می‌شود که هرچه عزت نفس نیرومندتر و هویت منسجم‌تر باشد، احساس استقلال، کارایی، خلاقیت، ابتکار و موفقیت‌های فردی و جمعی بیشتر بوده، توانایی بیشتری برای احساس ارزشمند بودن و ابراز وجود در عرصه‌های مختلف زندگی شخصی، خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای خواهد داشت. آیا یکی از عوامل اساسی تفوق ایرانیان بر رقبای خود در طول تاریخ و در دوره معاصر در بسیاری از مراکز علمی، پژوهشی و فن‌آوری، مدیون برخورداری از چنین فرهنگ تاریخی نیست؟

ارتباط نوروز با عزت نفس و هویت ایرانی

جای بسی تأسف است که بسیاری از مردم به ویژه نسل جوان که باید پرچم پرافتخار این مرز پرگهر را با دست‌های پرتوان خود سربلند و در اهتزاز نگه دارند، زمان کافی و فرصت‌های مناسبی را برای آگاهی از هویت اصیل ایرانی و فرهنگی خود صرف نمی‌کنند و شاید هم به دلایل مختلف، برای این آگاهی، احساس نیاز جدی هم نداشته، همین امر باعث سردرگمی گروهی از جوانان و حتی بزرگسالان و گرایش آنان به فرهنگ‌های سست بنیاد بیگانگان

ایرانیان همواره در مسایل فکری و روحی، استقلال خاصی از خود بروز داده اند. مورخین آنان را مغز متفکر اسلام انگاشته‌اند و به گفته یک اندیشمند مسلمان هندی، تمامی فرهنگ هند مسلمان، از ایران سرچشمه گرفته است.

یونانی مآبی هرگز - جز به گونه‌ای سطحی - بر زندگی ایرانی تاثیر ننهاد، لکن دین برآمده از سرزمین عرب تا مغز استخوان ایران نفوذ کرد (۴۴).

۸- اورسل ذکر می‌کند: علی‌رغم تعصبات شدید مذهبی که در بین کشورهای اسلامی موجود است، ایرانی‌ها در باره پیروان مذاهب دیگر، بسیار آزاد اندیش و بزرگ‌منش هستند. دو ویژگی برجسته و مشخصه این ملت عبارتند از: خاطره فراموش نشدنی افتخارات باستانی و افسانه‌های حماسی و قهرمانی ایران به عنوان کهن‌ترین و بی‌کم و کاست‌ترین مملکت جهان و نیز علاقه و وابستگی عجیب و بیش از اندازه مردم به حضرت علی (ع) و امامان. موضوع جانبداری از علویان در میان ایرانی‌ها، علاوه بر جنبه مذهبی، به صورت یک مسئله ملی درآمده است (۴۵).

ظرائف متفرقه

۱- یکی از نویسندگان اهل نظر کشور مصر آورده است که چنانچه کسی صحنه نوروز را در خواب ببیند، چنانچه افسرده باشد، این خواب بشارتی است بر بازگشت سلامتی و شادی به وی و چنانچه پول یا دارایی او از دستش رفته باشد، دیدن نوروز در خواب، بشارتی است بر بازگشت ثروت و دارایی از دست رفته و رسیدن به خوشی و شادی (۴۷).

۲- صرف‌نظر از آداب و رسوم نوروز که توسط ایرانیان برگزار می‌شد، بنا به نقل میرزای قمی (ره) بسیاری از تاجران و کاسب‌ها که مقید به پرداخت حقوق شرعی همچون خمس و زکات بودند، اصطلاحاً حساب سر سال خود را از نوروز تا نوروز قرار می‌دادند (۴۸).

۳- همان‌گونه که در بخش‌های پیشین اشاره شد، اگرچه روزه نوروز از روزه‌های مستحب به شمار آمده، ولی درباره نگهداشتن روزه تا آخر روز یا عدم ادامه آن در تعدادی از متون فقهی، نکته‌ای آمده است که ذکر آن خالی از لطف نیست: «روزه روز عید نوروز مستحب است، اگر کسی آن روزه را بگیرد واجب نیست آن را به آخر برساند، بلکه اگر برادر مومنش او را به غذا دعوت کرد، مستحب است دعوت او را بپذیرد و در بین روز اگرچه بعد از ظهر باشد افطار نماید (۴۹)». بدیهی است که در چنین موردی هم

شده است. در همین ارتباط، توجه به چند مورد زیر برای بسیاری از خوانندگان محترم باید اهمیت ویژه‌ای داشته باشد:

۱- در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) منقول است که چنانچه منبع دانش در ستاره ثریا باشد، بزرگ مردانی از ایران زمین آن را به دست خواهند آورد (۴۱).

۲- در روایتی از امام علی بن ابیطالب (ع) نقل شده است که ایرانیان مردمی دانشمند و بزرگواری، در برابر آموزش‌های ما تسلیم شدند و با رغبت به دین اسلام گرویدند (۴۲).

۳- قاضی صاعد آندلسی (قرن پنجم هجری) در کتاب التعریف بطبقات الأمم، ایرانیان را در بالاترین طبقات ملت‌ها قرار داده و می‌گوید: «ایرانیان مردمی والامقام، گرانقدر، سربلند، استوار، دارای بهترین جایگاه، برترین سرزمین و برجسته‌ترین سیاستمداران هستند. این مردم برای دانش پزشکی و اخترشناسی اهمیت زیادی قائلند و کتاب‌های گرانمایه‌ای در این موضوع‌ها نگاشته‌اند (۴۳)». گفته‌اند که ایرانیان از آغاز پیدایش، یکتاپرست و از پیروان حضرت نوح پیامبر بوده‌اند.

۴- کلارا کولیوررایس در سفرنامه خود می‌گوید: گروهی از زادگان نوح نبی که در مقابل دیگران خود را «آریا» یعنی «شریف» می‌خواندند، در حدود پانصد و پنجاه سال پیش از میلاد با هم متحد شده و امپراتوری ایران را پی نهادند. ایران نیرومندترین امپراتوری جهان شد که تا آن زمان شناخته شده بود (۴۴).

۵- ارنست اورسل در سفرنامه خود می‌گوید: ملت ایران چون یک ملت کهنسال است و در قرون و اعصار گذشته ریشه‌های مستحکمی دارد، به این جهت یک ملت پابرجا و پرجاذبه است. به همان سادگی که نیاکان این ملت، مهاجران مقتدر یونانی و گرجی را مجذوب خود نمودند، هر عنصر خارجی دیگر را نیز در خود مستحیل کرده و همسان خود می‌گردانند (۴۵).

۶- موسیونیکیتین در سفرنامه خود می‌گوید: ایرانی‌ها ملتی ظرافت مآب، فیلسوف‌منش و دارای تمدن با احترامی هستند و فکر خونریزی کمتر از خاطر شهرنشینان آنان عبور می‌کند. ایرانی‌ها فوق‌العاده خوش‌محضر هستند و در صحبت هم ظرافت به خرج می‌دهند. ایرانی همان‌طور که در ادبیات لطافت و ظرافت نشان می‌دهد، در خوراک هم این سلیقه و ذوق را از دست نداده است (۴۶).

۷- کلارا کولیوررایس بیان می‌کند: غربیان زیادی هستند که بیشتر عمر خویش را در هند، چین یا ژاپن گذرانده‌اند، اما کسانی که چند سالی در ایران سکونت کرده‌اند، به طرز خارق‌العاده‌ای فریفته این سرزمین گشته‌اند.

ثواب روزه را کسب کرده و هم ثواب عمل به استحباب اجابت برادر مومن را.

بحث و نتیجه گیری

اگر چه در گفتارها و نوشتارهای مربوط به نوروز آمده است که معمولاً تنها مراسم مذهبی می‌توانند گستره وسیعی از اقوام، ملت‌ها، نژادها و کشورهای مختلف را پوشش دهند و مراسم ملی، غالباً اختصاص به یک قوم، ملت، نژاد یا یک کشور داشته، گستره وسیعی ندارند، اما نوروز را با توجه به مروری که بر تاریخچه‌اش در این مقاله ارائه کردیم، نباید یک آئین یا رویداد صرفاً ملی تلقی کرد. نوروز، تجدید حیات طبیعت است، نوروز مرتبط با ادیان

توحیدی است، مرتبط با آئین‌های مقدس منطقه ای از کره زمین است که منشاء همه تمدن‌های بشری است و از ماوراءالنهر، از اقوام تاجیک، ازبک، ترکمن، قرقیز، ترکیه، آلبانی، مقدونیه، عراق، سوریه، ایران، افغانستان، کشمیر، هندوستان و دیگر اقوام راکه بیش از ۲۰ کشور فعلی هستند، پوشش می‌دهد. این روز فرخنده که انطباق تاریخ، جغرافی، فرهنگ و طبیعت را در یک زمان و یک مکان وسیع به گستردگی چندین کشور نشان می‌دهد، افتخار آفرین و غرور انگیز و بیانگر اصالت و ممتاز بودن یک ملت فرهیخته یعنی ایرانیان و یک سرزمین پرگهر به نام ایران است، ایرانی که همیشه پاینده و پرچم پرافتخارش همواره در اهتزاز بوده و خواهد بود.

REFERENCES

- ۱- افریقی ا، نویسنده. لسان العرب. ج ۵. قم، ایران: نشر ادب الحوزه؛ سال ۱۴۰۵ ه. ق. ص ۴۱۶.
- ۲- قرطبی ع، نویسنده. صله تاریخ الطبری. بیروت، لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات؛ بی تا ص ۱۱۰
- ۳- الهندی ف، نویسنده. کشف اللثام. ج ۱ ص ۱۱.
- ۴- حموی ی، نویسنده. معجم البلدان. ج ۱. بیروت، لبنان: نشر دار احیاء التراث العربی؛ ۱۹۷۹ م. ص ۴۵۱.
- ۵- طبری م، نویسنده. تاریخ طبری. ج ۵. بیروت، لبنان: نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات؛ بی تا ص ۵۷۸.
- ۶- الدینوری ا ق، نویسنده. کتاب تأویل مختلف الحدیث. بیروت، لبنان: دارالجبیل؛ ۱۹۷۲ م. ص ۱۵۳.
- ۷- العظیم آبادی م ش ا، نویسنده. عو المعبود. ج ۳. بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۱۵ ه. ق. ص ۳۴۱.
- ۸- طبری م، نویسنده. تاریخ طبری. ج ۱. بیروت، لبنان: نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات؛ بی تا ص ۱۰۹.
- ۹- مظاهری ع ا، نویسنده. خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام. چاپ دوم. ترجمه عبدالله توکل. تهران، ایران: نشر قطره؛ ۱۳۷۷ ه. ش. ص ۴۱۳ - ۴۱۱.
- ۱۰- گیلانی ح ا و همکاران، نویسندگان. تاریخ آلفی. ج ۱. تهران: موسسه انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۵ ه. ش. ص ۷۴ - ۷۱.
- ۱۱- گیلانی ح ا و همکاران، نویسندگان. تاریخ آلفی. ج ۵. تهران: موسسه انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۵ ه. ش. ص ۴۰۳.
- ۱۲- گیلانی ح ا و همکاران، نویسندگان. تاریخ آلفی. ج ۷. تهران: موسسه انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۵ ه. ش. ص ۴۹۸۴.
- ۱۳- گیلانی ح ا و همکاران، نویسندگان. تاریخ آلفی. ج ۴. تهران: موسسه انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۵ ه. ش. ص ۲۴۳۰.
- ۱۴- گیلانی ح ا و همکاران، نویسندگان. تاریخ آلفی. ج ۸. تهران: موسسه انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۵ ه. ش. ص ۵۸۰۴.
- ۱۵- گیلانی ح ا و همکاران، نویسندگان. تاریخ آلفی. ج ۴. تهران: موسسه انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۵ ه. ش. ص ۲۳۱۵.
- ۱۶- دهخدا ع ا، نویسنده. لغت نامه. چاپ دوم
- ۱۷- بیرونی ا، نویسنده. التفهیم. ص ۲۵۳.
- ۱۸- بیرونی ا، نویسنده. الآثار الباقیه.
- ۱۹- خطیب بغدادی ا، نویسنده. تاریخ بغداد. ج ۶. بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه؛ بی تا ص ۹۲.
- ۲۰- خطیب بغدادی ا، نویسنده. تاریخ بغداد. ج ۱۱. بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه؛ بی تا ص ۱۶۵.
- ۲۱- خطیب بغدادی ا، نویسنده. تاریخ بغداد. ج ۷. بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه؛ بی تا ص ۲۴۸.
- ۲۲- ماسه ه، نویسنده. تمدن ایرانی. ترجمه عیسی بهنام. چاپ دوم. تهران، ایران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران؛ بی تا ص ۲۵۵ و ۵۸.
- ۲۳- بیهقی ا، نویسنده. سنن البیهقی الکبری. ج ۹. مکه المکرمه، عربستان سعودی: نشر دارالباز؛ ۱۴۱۴ ه. ق. ص ۲۳۵.
- ۲۴- نوادر الاصول فی احادیث الرسول. ج ۱. ص ۱۶۵.

- ۲۵- الصدوق، نویسنده. من لا یحضره الفقیه. ج ۳. ص ۳۰۰.
- ۲۶- جزائری ع، نویسنده. التحفه السنیه. مشهد، ایران: نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی؛ تاریخ کتابت ۱۱۷۰ ه. ق. ص ۱۰۹ - ۱۰۶.
- ۲۷- وسائل الشیعه. ج ۸. ص ۱۷۳.
- ۲۸- وسائل الشیعه. ج ۸. ص ۱۷۲.
- ۲۹- بهائی عاملی م، نویسنده. جامع عباسی (چاپ سنگی). تهران، ایران: انتشارات فراهانی؛ بی تا ص ۷۸.
- ۳۰- خمینی ر (امام)، نویسنده. توضیح المسائل. چاپ نهم. تهران، ایران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۷۲ ه. ش. ص ۲۳۰ و ۸۸.
- ۳۱- خوئی ا، نویسنده. توضیح المسائل. چاپ بیست و نهم. قم، ایران: چاپخانه مهر؛ ۱۴۱۲ ه. ق. ص ۳۰۰.
- ۳۲- سیستمی ع، نویسنده. توضیح المسائل. چاپ چهارم. قم، ایران: چاپخانه مهر؛ ۱۴۱۵ ه. ق. ص ۳۶۰ و ۱۴۱. مم.
- ۳۳- گلپایگانی، نویسنده. توضیح المسائل. چاپ ۷۳. قم، ایران: نشر دارالقرآن الکریم؛ ۱۴۱۳ ه. ق. ص ۱۱۴ و ۲۹۷.
- ۳۴- بهجت م ت، نویسنده. توضیح المسائل. قم، ایران: انتشارات شفق؛ ۱۳۷۷ ه. ش. ص ۱۰۹.
- ۳۵- خراسانی و. توضیح المسائل. قم، ایران: انتشارات مدرسه باقرالعلوم؛ ۱۴۱۲ ه. ق. ص ۳۱۵.
- ۳۶- اراکی م، نویسنده. توضیح المسائل. قم، ایران: دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۱ ه. ش. ص ۳۱۴.
- ۳۷- یزدی ک، نویسنده. الغایه القصوی. تهران، ایران: انتشارات کتابخانه مرتضوی؛ بی تا ص ۵۳۸.
- ۳۸- حموی ی، نویسنده. معجم البلدان. ج ۱. بیروت. لبنان: دارالفکر؛ بی تا ص ۴۵۱.
- ۳۹- الخطیبی ح، نویسنده. الهدایه الکربری. چاپ چهارم. بیروت، لبنان: موسسه البلاغ للطباعه والنشر؛ ۱۴۱۱ ه. ق. ص ۴۱۹.
- ۴۰- حموی ی، نویسنده. معجم البلدان. ج ۱. بیروت، لبنان: دارالفکر؛ بی تا ص ۴۵۱.
- ۴۱- مجلسی م ب، نویسنده. بحار الأنوار. ج ۴۸. ص ۳۰۵.
- ۴۲- مجلسی م ب، نویسنده. بحار الأنوار. ج ۴۵. ص ۳۳۰.
- ۴۳- اندلسی صاعد، نویسنده. التعریف بطبقات الامم.
- ۴۴- رایس ک، نویسنده. زنان ایرانی. ترجمه اسداله آزاد. مشهد، ایران: معاونت فرهنگی آستان قدس؛ ۱۳۶۶ ه. ش. صص ۱۳ - ۱۱.
- ۴۵- اورسل ا، نویسنده. سفرنامه اورسل. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران، ایران: شرکت افست؛ ۱۳۵۳ ه. ش. صص ۲۷۳ - ۲۶۷.
- ۴۶- نیکیتین م، نویسنده. ایرانی که من شناختم. ترجمه فره وشى ص. تهران، ایران: کانون معرفت؛ ۱۳۲۹ ه. ش. صص ۱۲۸ - ۴۲.
- ۴۷- نابلسی ع، نویسنده. تعطیر الأنام فی تعبیر المنام. قاهره، مصر؛ مکتبه مصطفی البابی الحلبي؛ ص ۱۹۴۰.
- ۴۸- قمی م، نویسنده. جامع الشتات. چاپ اول. ج ۱. تهران، ایران: انتشارات کیهان؛ ۱۳۷۱ ه. ش. ص ۱۹۱.
- ۴۹- ابطحی س م ع، نویسنده. مسائلی از فقه شیعه. قم، ایران: نشر محمد. ۱۳۷۷ ه. ش. ص ۳۰۱.